

رویارویی موافقان و مخالفان مشروطه بر پایه گزارش‌های مطبوعات*

محمد رضا علم^۱

چکیده

مشروطه در تاریخ ایران، رویدادی مهم، تأثیرگذار و سرنوشت‌ساز به شمار می‌رود. معمولاً از این رویداد به عنوان گذار از خودکامگی به قانون‌گرایی در ایران یاد می‌شود و تحلیل‌گران و محققان تاریخ ایران انتظار داشته‌اند پس از وقوع آن، ایران وارد جرگه کشورهای شود که با تأسیس نهادهای بایسته یک نظام مشروطه راه خود را در جهت ایجاد جامعه مدنی باز کند. اما چنین نشد و مشروطه‌خواهی در ایران متحمل نزاع‌های بسیاری شد. این امر دلایل متعددی دارد اما در این مقاله تلاش می‌شود که بر پایه روش تحقیق تاریخی از طریق بازخوانی گزارش‌های مطبوعات در آن زمان، در خصوص رویارویی‌های موافقان و مخالفان مشروطه، تأثیر این چالش‌ها بر عدم شکل‌گیری حکومت قانون و خصوصاً تداوم استبدادزدگی بررسی شود.

واژگان کلیدی: مشروطه، مطبوعات، قانون، کشمکش سیاسی.

The Reflection of the Conflict Between the Opponents and the Advocates of Constitutionalism (Mashruteh) in the Newspapers of the Time

Mohammad Reza Alam²

Abstract

Iranian Constitutional Movement or Mashruteh was an important, influential and fateful event in the history of Iran. The movement is usually considered a turning point from dictatorship to the rule of law. Thus the historians and analysts were expecting Iran to join the countries which, by establishing constitutional institutions, have established a civic society; however, no such thing happened and the constitutionalism encountered many conflicts. The reasons are numerous. In this essay—based on historical method and through rereading newspapers reports of the time—the conflict between the constitutionalists and their opponents and also the impact of this conflict on the establishment of a dictatorship will be studied.

Key words: constitutionalism, the press (newspapers), law, political conflict.

^۱ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز. * تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۳/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۲/۷

^۲ Associate Professor, Department of History, Shahid Chamran University of Ahvaz
Email: mralam36@yahoo.com

مقدمه

کوشش‌های ایرانیان در راستای عدالتخواهی، تأسیس دارالشورا و استقرار نظام سیاسی مشروطه در سال ۱۳۲۴ قمری به ثمر رسید و نظام اداری، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور از آن پس با تحولات جدیدی مواجه شد. مشروطه از همان آغاز مخالفانی داشت که از آن میان برخی از درباریان، زمامداران حکومتی و بیگانگان بر ناکامی آن می‌کوشیدند. این مخالفت‌ها از ابعاد مختلف سیاسی - فکری آغاز شد و بازتاب آن را می‌توان در جریان تبیین قانون اساسی در مجلس شورای ملی دید که همهٔ شئون قانون اساسی همچون حقوق ملت، آزادی‌های اجتماعی، حقوق فردی، احزاب و مطبوعات و دیگر پدیده‌های مربوط به آن را دربرگرفت و منجر به رویارویی‌های متعدد مشروطه‌خواهان و مستبدان شد. اختلاف‌های دو طیف فکری در عصر مشروطه به این بُعد محدود نشد بلکه در زمینهٔ سیاست‌های عملی و اجرایی دولت‌های این عصر نیز خود را نشان داد. در بسیاری از شیوه‌های اجرایی از برگزاری انتخابات گرفته تا تعیین والیان ولایات و گرفتن مالیات از رعایا و نیز شیوهٔ برخورد با خودسری، قانون‌شکنی و تعدیات مختلف مأموران وابسته به حکومت که با اتکا به مستبدان و حامیان آنها صورت می‌گرفت، می‌توان ردپای اختلافات مشروطه‌خواهان و مستبدان را شاهد بود. از دیگر سو اوضاع اجتماعی نیز به شدت ناهنجار بود؛ چنانکه روزنامهٔ صح صادق در توصیف اوضاع اجتماعی آن دورهٔ ایران می‌نویسد:

رشوه گرفتن و جریمه ستاندن هنوز متروک نشده و معمولاً منحوسه سابقه کماکان باقی و چیزی که بر سنوات قبل علاوه شده بی‌نظمی شهرها و کثرت دزدی و هرج و مرج و کمبود ارزاق است که به برای هر یک محملی قرار می‌دهند. و دلیلی اقامه می‌نمایند و بروز این مقوله را ناشی از ترتیبات جریده و آثار مشروطیت می‌شمارند.^۳

رویارویی‌های عصر مشروطه دو نقطهٔ عطف داشت: نخست رویدادهایی که در طی دو سال نخست مشروطه دامن مجلس شورای ملی را گرفت و سرانجام نیز در جمادی‌الاول ۱۳۲۶ به بمباران بهارستان و تعطیلی مجلس انجامید. این رویداد نقطهٔ اوج آن اختلافات بود که منجر به تجاوز نیروهای قزاق و طرفدار محمدعلی شاه به مشروطه‌خواهان شد. با شکست مشروطه‌خواهان دوره‌ای به نام استبداد صغیر در تاریخ معاصر ایران شکل گرفت. اما اختلافات در این دوره نه تنها خاتمه نیافت بلکه دوره‌ای آغاز شد که سرتاسر پوشیده از مبارزات سیاسی و رویارویی‌های مسلحانه میان مشروطه‌خواهان و استبدادطلبانی بود که با حمایت دربار و شخص محمدعلی شاه اینک بر ارکان سیاسی کشور مسلط شده و در راه

۳. یومیه صح صادق، «مکتوب از ولایات»، شماره ۱، صفر ۱۳۲۵ قمری، ص ۱.

برچیدن اساس مشروطه از هیچ اقدامی اجتناب نمی‌کردند؛ دوم آن که رویداد بمباران مجلس و دوره استبداد صغیر به دوره‌ای حساس و پر برخورد انجامید که در آن اوضاع سیاسی اجتماعی ایران هر روز بیشتر آشفته‌تر می‌شد. این دوره با پایداری و مقاومت مشروطه‌خواهان منجر به ایجاد نقطه عطف مهم و سرنوشت‌ساز دیگر شد که در آن مشروطه‌خواهان توانستند با مبارزات همه‌جانبه و در اشکال مختلف رژیم استبدادی محمدعلی‌شاه را ساقط کنند و مشروطه‌خواهی را تداوم بخشند (۱۳۲۷ ق).

اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در طی این دوره چنان بود که هر مسأله و رویدادی، می‌توانست موجب ظهور بحرانی در سطح کشور شود. در طی این دوره است که نقش مطبوعات و تأثیر آنها نیز در بازتاب حوادث عصر مشروطه آغاز می‌شود. در مقاله حاضر تلاش شده که وقایع، حوادث و رویارویی‌های عصر مشروطه از نگاه مطبوعات آن دوره بازبایی و ترسیم گردد. به این ترتیب می‌توان این مسأله را روشن ساخت که رویارویی‌ها در به وجود آمدن جریانی که بعدها به نام استبداد رضاخانی دامن مشروطه را گرفت، تا چه میزان نقش ایفا کرده‌اند.

آغاز رویارویی‌ها

بررسی تاریخ مشروطه نشان می‌دهد که محمدعلی‌شاه از همان آغاز پادشاهی خود، با مشروطه چندان که باید همراه نبود. وی برای توجیه مخالفت خود با مشروطه در مذاکره با سفیر روسیه عنوان کرده بود «اطلاع دارید که ایرانی‌ها هنوز نه معنی مشروطه را می‌دانند و نه قابل مشروطه‌اند.»^۴ چنین دیدگاهی این احتمال را بسیار روشن می‌نماید که به زودی برخوردها و صفا‌آرایی‌های مشروطه و استبداد آغاز شود و نقطه آغاز رویارویی‌ها ممکن بود هر اتفاق و جرقه‌ای باشد؛ این جرقه در مراسم تاجگذاری شاه از سوی وی زده شد. در این مراسم که می‌بایستی در پیشگاه ملت ایران صورت می‌گرفت، نمایندگان ملت به مجلس دعوت نشدند در حالی که می‌پهمانان خارجی، سفرای کشورها و درباریان حاضر بودند. برخی از نمایندگان هم که دعوت شده بودند (مانند سعدالدوله و صنیع‌الدوله) نه از سوی مجلس که از طرف دربار در مراسم حضور یافتند؛ از این رو به نمایندگان مجلس شورای ملی آشکارا توهین شد و این اهانت از سوی آنان نادیده گرفته نشد.^۵

۴. حبل‌المتین رشت، «اخبار داخله»، شماره ۲۹، صفر ۱۳۲۷، ص ۱.

۵. احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹)، ص ۲۰۲. برای آگاهی از واکنش مجلس، نک: مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول قانون‌گذاری ۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۶ (تهران: مجلس شورای ملی، ضمیمه روزنامه رسمی، ۱۳۵۷)، ص ۵۳؛ روزنامه مذاکرات مجلس، ص ۴. ده روز پس از تاجگذاری، سفیر انگلیس به دولت متبوع خود گزارش داد: «سلوک دولت نسبت به مجلس کلیتاً به طریق مخالفت و ضدیت است، بنابراین روابط فی مابین دولت و ملت البته به بدترین اوضاع منجر خواهد شد.» کتاب آبی، ج ۱، وزارت امور خارجه انگلیس، به کوشش احمد بشیری (تهران: نشر نو، ۱۳۶۳)، ص ۲۰.

محمدعلی شاه در پی این اقدام بیشتر در مظان اتهام مخالفت با مشروطه و نهادهای برآمده از آن قرار گرفت. در نخستین جلسه مجلس پس از تاجگذاری، میرزا محمد طاهر تنکابنی نماینده تهران درباره این بی توجهی گفت: «سلطان، سلطان ملت است باید از طرف ملت تاج گذارند و مجلس نماینده ملت است.» میرزا محمود کتابفروش نیز از نمایندگان تهران اعلام کرد: «حالا که اول مجلس است اگر می تواند مطالبه حق خودش را بکند و الا بعد نمی تواند کاری از پیش ببرد.»^۶ سرانجام این مسأله منجر به رویارویی شدید میان مجلس و دولت شد که سید حسن تقی زاده از آن به عنوان عامل انقلاب عظیم یاد کرده و می گوید: «در مجلس اول دو حادثه پیش آمد که انقلاب عظیمی را باعث شد: یکی عدم حضور وزرا برای پاسخگویی به مجلس و دیگری جریان تاجگذاری شاه در مجلس اول بود.»^۷

مجلس در گام اول رویارویی ها ایستادگی قابل قبولی از خود نشان داد به گونه ای که «آوازه این ایستادگی ها تا به روزنامه های اروپا رسید.»^۸ در مسأله احضار وزرا توسط مجلس برای پاسخگویی و عدم تمکین آنها نیز همان گونه که تقی زاده بیان کرده مجلس، دربار و دولت سخت مقابل هم ایستادند، چنانکه این موضوع بخشی از وقت مجلس اول را به خود اختصاص داد. به گفته منابع در جلسه علنی مجلس «یکی از وکلای محترم اخطار فرمودند که سه مرتبه از وزارت خارجه در عمل سرحد و بعضی امتیازات توضیح خواسته ایم، معزی الیه در مسائل لازمه مسامحه ورزیده اند برای چه؟ دیگری فرمود به حکم قانون اساسی اگر وزرای مسئول در توضیح مسائل لازمه تعللی نمایند هیئت مجلس می تواند که عزل او را خواستار شود.»^۹ نطق های مذکور در جبهه دولت و دربار حساسیت ایجاد کرد و رویارویی مجلس و حکومت شدت یافت و به گفته مطبوعات، بحث به اینجا رسید تا آماری از قوانین مصوب مجلس که توسط دولت «مجری» نشده تهیه گردد و «آقامیرزا ابراهیم لایحه نوشته که صورت مذاکرات مجلس را از اول فهرست نمایند و مطالبی را که رأی داده اند و آرایبی که مجری نشده یا به توشیح همایونی نرسیده و موشح نگشته فهرست شود تا از دولت بخواهند.»^{۱۰} در اثر همین اعتراض ها و تهدیدها بود که بالاخره وزرا پذیرفتند برای توضیح و پاسخ به سوالات

۶. روزنامه مذاکرات مجلس، شماره ۱۷، ربیع الاول، ۱۳۲۶ قمری، ص ۴.

۷. سید حسن تقی زاده، زندگی طوفانی، به کوشش ایرج افشار (تهران: علمی، ۱۳۶۸)، ص ۶۳.

۸. حبل المتین رشت، «اخبار داخله»، شماره ۲، سال ۱۳۲۷ قمری، ص ۳.

۹. یومیه صبح صادق، «خلاصه مذاکرات مجلس»، شماره ۱۹، جمادی الثانی ۱۳۲۵ قمری، ص ۳.

۱۰. یومیه صبح صادق، «خلاصه مذاکرات مجلس»، شماره ۱۴، شعبان ۱۳۲۵ قمری، ص ۴.

نمایندگان در مجلس حضور یابند.^{۱۱} هر چند که چنین حوادثی موجب بدبینی و سوءظن فزاینده مشروطه‌خواهان به مستبدان گردید، طبیعی است که عکس این بدبینی موجب تزلزل در ارکان اجتماعی و زمینه فروپاشی کامل جامعه و ظهور یک قدرت خودکامه را فراهم آورد.

رویارویی دیگری که در این دوره آغاز شد و به شکلی حاد تداوم یافت کشمکش بر سر نوشتن و سپس امضای متمم قانون اساسی بود. هر چند قانون اساسی در زمان مظفرالدین‌شاه نوشته شده و به امضا رسیده و بر طبق همین قانون ایران رسماً در شمار کشورهای مشروطه درآمده بود، اما این قانون اشکالاتی داشت و در برخی موارد به دلایل مختلفی مبهم و گنگ بود. به عنوان نمونه حدود وظایف مجلس شورای ملی، شاه، وزرا و نیز عدلیه (قوة قضاییه)، مبهم و نارسا بود و به همین دلیل نوشتن متممی بر آن بسیار ضروری می‌نمود. بنابراین کمیسیونی در مجلس برای نوشتن متمم قانون اساسی تشکیل و پس از بحث و چالش‌های بسیار که ناشی از گرایش‌های مشروطه‌خواهی و استبدادطلبی حاضر در مجلس بود، تصویب شد و برای امضا به محمدعلی‌شاه تقدیم گردید «اما شاه حاضر به امضای چنین قانونی نبود و طبقات منتفذ را بر ضد مجلس و قانون مذکور برانگیخت.»^{۱۲}

همان گونه که ملک‌زاده تأکید کرده‌است محمدعلی‌شاه «امیدوار بود که در جنگ میان جناح‌ها، مشروطه‌خواهان را شکست داده و به مقصود خود نائل شود.»^{۱۳} زمانی که مشروطه‌خواهان از تصمیم محمدعلی‌شاه در مخالفت و امتناع از امضای متمم قانون اساسی آگاه شدند، عده زیادی از آنان به رهبری ملک‌المتکلمین چهل روز در مجلس متحصن شدند؛ مردم بازارها را بستند و هر روز تعداد زیادی از آنها دور مجلس جمع می‌شدند و تصویب متمم قانون اساسی را درخواست می‌کردند. نباید فراموش کرد که در مورد تصویب قانون اساسی نیز حوادثی شبیه به آنچه گفته شد قبلاً پدید آمده بود به طوری که طبق گزارش روزنامه صبح صادق این مسأله جامعه را به ورطه انفجار و آشوب نزدیک کرد. در این گزارش آمده است «امروز در مجلس جز قرائت قانون اساسی مذاکره‌ای نبود، چون در هر فصلی تأمل و ایرادات زیاد می‌فرمودند [مخالفان قانون اساسی] اعضای انجمن مرکزی که قریب ۱۵ روز است در آنجا متحصن هستند، مقصود حالیه آنها اخذ قانون اساسی است لذا از این ایراد و تأمل به تنگ آمده برخاسته‌اند و ناله زیاد کردند.»^{۱۴} همین روزنامه در مورد آثار

^{۱۱} محمد رضا علم، کانون‌های مقاومت خارج از کشور عصر مشروطه (تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۵).

ص ۲۱.

^{۱۲} حبل‌المتین کلکته، «اخبار داخله»، شماره ۱۲، رجب ۱۳۲۶ قمری، ص ۸.

^{۱۳} مهدی ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۴ (تهران: علمی، ۱۳۶۳)، ص ۴۲۸.

^{۱۴} صبح صادق، «اخبار مجلس»، شماره ۱۶، ربیع الاول ۱۳۲۵ قمری، ص ۱.

مخرب این کشمکش در جامعه و مردم می‌نویسد:

نزدیک بود این خبر به عموم اعضای انجمن‌ها برسد و یقیناً در صورت رسیدن جمعیت به اندازه‌ای زیاد می‌شد که جلوگیری از آنها غیرممکن بود؛ این بود که آقای آقامیرزا فضلعلی آقا به حوض‌خانه تشریف آورده آقایان متحصنین را اطمینان داده انشاءالله تعالی رفع ایرادات خواهد شد، بلکه امروز فردا قانون اساسی تمام و از صحنه خواهد گذشت.^{۱۵}

بررسی فرایند حوادث، این موضوع را نشان می‌دهد که جامعه ایران هر روز در گام دیگری به سمت تقاضا برای استقرار یک حکومت قاهره که ریشه هرج و مرج‌ها را براندازد، نزدیک می‌شد. اگرچه محمدعلی‌شاه و به طور کلی جبهه استبداد در نهایت در همه این موارد عقب‌نشینی می‌کردند اما از تأثیر سوء این رویارویی‌ها در دیگر ابعاد سیاسی و حتی ولایات و شهرهای کشور نباید گذشت؛ به طوری که دست کم در مورد درخواست عمومی برای مطالعه قانون اساسی در تبریز این روند منجر به ظهور بحران و هیجان عمومی شده و انجمن تبریز ناچار به مخابرة تلگراف زیر به تهران شد: «خدمت و کلاهی محترم آذربایجان دامت تأییداتهم؛ دستی از دور بر آتش دارید. انقلاب و هیجان عمومی در مطالبه قانون اساسی به اعلی درجه رسیده جواب تلگراف دیروز را تا بحال مرحمت نفرموده‌اید تأخیر جواب را حمل بر عدم اعتنا می‌کنند مستدعی است آن که تشریف‌فرمای تلگراف‌خانه شوید و جواب را حضوراً بفرمایید.»^{۱۶}

اخبار پایتخت تأثیر قاطعی بر امنیت سایر بلاد کشور و به طور کلی اوضاع اجتماعی سیاسی دوره مورد بحث داشته است؛ چرا که با بررسی اسناد، مکاتبات و مطبوعات این دوره به روشنی این گفته ثابت می‌شود، اما نکته در اینجا است که بسته به اوضاع منطقه و ولایت‌های خاص نوع رویارویی‌ها و واکنش‌ها متفاوت است. مثلاً در خصوص اختلافات شاه با مجلس و نمود آن در تبریز، روزنامه انجمن تبریز می‌نویسد:

از اخبار ناگوار تهران و مخالفت شاه با مقام منبع مجلس شورای ملی خون عصبیت در عروق قاطبه ملت به جوش آمده و هر خبر تلگرافی که از اطراف می‌رسد آناً بر حرارت مردم خاصه فرقه مجاهدین افزوده دسته دسته، فوج فوج به تلگراف خانه هجوم آورد. پای جوانمردی و غیرت می‌کوبند که از مکر و حيلة استبدادیان بسته‌آمده و بیش از

^{۱۵}. همان، ص ۲.

^{۱۶}. انجمن ملی تبریز، «مکتوبی رشت»، شماره ۸۵، سال ۱۳۲۵ قمری، ص ۳.

این نمی‌توانیم راضی به تزییع حقوق ملیت خود و متحمل شکنجه و ضرب و زور هیکل استبداد شویم.^{۱۷}

همین روزنامه از رویارویی‌های مشروطه‌خواهان و مستبدان یزد گزارشی دارد که نشان می‌دهد این جریانات به قتل و جرح نیز منجر گردیده است؛ در این سند که تلگرافی است از مردم یزد به انجمن تبریز آمده است: «انالله و انا الیه راجعون: حضور مبارک انجمن ملی تبریز: حاجی محمدتقی موسس مشروطیت یزد در ملاء عام بدستور مشیر یزدی که رئیس مستبدین و به تحریک اتباعش، مقتول و قاتل در امامزاده متحصن، مابقی مشروطه‌طلبان محل خطیریم؛ بر اساس مشروطیت فاتحه می‌خوانیم و با هموطنان خود آخرین وداع می‌نماییم.»^{۱۸} این نامنی‌ها البته از سوی یک جناح اعمال نمی‌شد بلکه در موقع برتری، هر کدام از طرف‌های مقابل بسته به قدرت خود عمل می‌کرد چنانچه با خبر ناگواری که همین روزنامه از شهر اردبیل می‌دهد موضوع کشت و کشتار مطرح است: «به موجب خبر کتبی که به انجمن مقدس ایالتی رسیده است در ظرف هفته گذشته حسینعلی‌خان که روسای احرار و خود از اهل آستارا می‌باشد با جمعیت زیاد با اردبیل هجوم کرده و اهالی آنجا بعد از اندک مقاومت شهر را تسلیم مشروطه‌طلبان نموده‌اند، از استبدادیان ۴۰ نفر مقتول و سه نفر زنده دستگیر شده‌اند.»^{۱۹} همین اخبار به صورت دیگری در شیراز مطرح است اما این بار مستبدان میداندار این رویارویی‌ها و برخوردها هستند. روزنامه یومیه صبح صادق اوضاع عمومی شیراز را این گونه توصیف می‌کند:

امام جمعه و معین‌الشریعه که حالت تعدی آنها به ملت و تملقشان با مستبدین بر همه واضح است با آنها همدست شده الواط و اشرار را دور خود جمع و در مسجد نونشسته متصل محرک اغتشاش از داخل و خارج هستند اگر دولت از حرکت سه نفر نوکر ظالم خود عجز دارد ملت از جان گذشته عاجز نیست، آه و ناله را بلند کنید که مأمور شدیدالعمل به جهت اینها معین شود یا اجازه دهند ملت بقوه قهریه و افتضاح آنها را خارج نمایند.^{۲۰}

در کرمان نیز وضع بر همین منوال بود و آنچه‌ان که مطبوعات نوشته‌اند رویارویی‌های مشروطه‌خواهان و مستبدان حرف اول جریانات اجتماعی بوده است. در یکی از تلگراف‌هایی که به

^{۱۷}. انجمن ملی تبریز، «اخبار داخله»، شماره ۳۲، ۱۶ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ قمری، ص ۱.

^{۱۸}. انجمن ملی تبریز، «تلگراف تظلم از یزد»، شماره ۱۵، ۱۳۲۵ قمری، ص ۳.

^{۱۹}. انجمن ملی تبریز، «اخبار داخله»، شماره ۴۴، ربیع‌الاول ۱۳۲۷ قمری، ص ۳.

^{۲۰}. یومیه صبح صادق، «اخبار داخله»، شماره ۴۱، ۱۳۲۵ قمری، ص ۲.

مجلس شورای ملی رسیده، آمده است «پس از رسیدن تلگراف تظلم اهالی اقطاع^{۲۱} مجلس شورای ملی اصلاح حال رعایا و رفع ظلم را از آن اقطاع از وزارت داخله و وزارت عدلیه اعظم خواستار شدند، هم از طرف وزارت داخله و هم از طرف وزارت عدلیه تلگراف متعدد در جواب متظلمین صادر و مخابره گردید.»^{۲۲} رویارویی‌های سیاسی و همه‌جانبه مشروطه‌خواهان و مستبدان تا شروع دوره استبداد صغیر هم از لحاظ نوع و هم از لحاظ شکل به طور فزاینده‌ای ادامه داشت؛ نکته قابل توجه در خصوص رویارویی‌ها این بود که روند کلی آنها پس از شروع، خشونت فزاینده‌ای یافته و هر روز بیش از روز پیش جامعه را به سمت درگیری قاطع و سختی پیش می‌برد که حاصل آن ظهور و بروز وضعیتی بود که می‌توانست هم موافق و هم مخالف مشروطه را با هم از صحنه خارج کرده و جریان سومی را پدید آورد.

کودتا علیه مشروطه و تداوم رویارویی‌ها

همان گونه که مشاهده شد رویارویی‌ها روزانه و گام به گام شدت و حدت بیشتری یافت و در نهایت به عزم جزم محمدعلی‌شاه برای به توپ بستن به نقطه‌نهایی رسید که با بمباران مجلس و شکسته شدن حریم آن توسط مستبدان ضمن تداوم آنها، پیچیدگی بیشتری در عرصه سیاسی اجتماعی کشور پدید آمد.

پس از سرکوب مجلس و ایجاد رعب و وحشت و قتل‌عام مشروطه‌خواهان، حکومت قاجار از طرفی مورد انتقاد کشورهای خارجی و از طرفی مورد نفرت ملت ایران واقع شد، به همین دلیل برای رهایی از این وضعیت سعی در پیدا کردن راهی برای برون‌رفت از بحران پیش آمده نمود و به مذهب متوسل شد تا بتواند از این طریق احساسات دینی مردم را در جهت خواسته‌های خود و دربارش کنترل کند و به خدمت گیرد؛ به همین دلیل طی تلگرافی خطاب به حکام ولایات یادآور شد که: هدف ما از بدو سلطنت ترویج شریعت غرای احمدی بوده و تکمیل آن را در ایجاد ادارات و شعب عدلیه و اجرای مواد موضوع شرع مقدس دانسته... سرکوب مؤسسين فتنه و آشوب و گوشمال آنها بخاطر حفظ قوانین شرعیه از تناول و اغراض آنان بوده است. اکنون که به مقصود رسیده‌ایم عقاید حسنه خود را بر پایه سه اصل بروز داده و انجام آنها را به هیأت وزرا پیشنهاد می‌کنیم. اول حفظ بیضه اسلام و نوامیس شرعیه، دوم تعظیم و تجلیل علمای

^{۲۱}. اقطاع: مجموعه‌ای از روستاها و آبادی‌های جنوب استان کرمان و در نزدیکی بافت است.

^{۲۲}. کوکب دری، «مکتوبه انجمن جنوبی ایران»، شماره ۱۹، ۱۳۲۵ قمری، ص ۱.

روحانی، سوم امنیت و آسایش عموم افراد ملت.^{۲۳}

بنابراین هر چند که در جریان رویارویی‌های مشروطه‌خواهان و مستبدان مذهب و استفاده از احساسات مذهبی در هر دو طیف به شکلی جدی مورد استفاده قرار گرفت اما در این دور از رویارویی‌ها اهمیت این فرآیند دو چندان می‌نمود. در مقابل این تاکتیک محمدعلی‌شاه و جبهه استبداد با این که برخی روحانیان نیز با آنها همکاری کردند، هواداران مشروطه و به خصوص علمای نجف در مقابل این سیاست دربار ایران نه تنها منفعل نشدند بلکه با ارسال تلگراف، اعلانات و فتاوی خود به ایران و اعلام مواضع در قبال آنچه در ایران می‌گذشت سعی کردند این رویکرد دربار ایران را بی‌اثر کنند؛ به همین دلیل مطبوعات این دوره خصوصاً مطبوعات خارج از کشور که آزادانه اما به دلیل تنگناهای مالی به سختی چاپ می‌شدند تعداد زیادی از این تلگراف‌ها و فتاوی را در خود جای داده‌اند. در اینجا به ذکر نمونه‌ای از روزنامه صوراسرافیل که در ایوردن سوئیس چاپ می‌شد اکتفا می‌شود. این روزنامه در یکی از شماره‌های خود تلگرافی از سوی علمای نجف به چاپ رساند که دقیقاً در تقابل با اسلام‌پناهی محمدعلی‌شاه بود و به نوعی می‌توان از آن به رویارویی‌های علمای عتبات با دربار محمدعلی‌شاه تعبیر نمود؛ در این تلگراف خطاب به مردم ایران آمده است: «شدت گرفتاری برادران ایمانی تبریز و اهتمام ظلمه مستبدین در استیصالشان بر همه مکشوف و ایوم اعانت آن برادران غیور و مدد مالی مجاهدین در رکاب اقدس نبوی صلوات الله علیه است، همت کنید و غیرت دینی خود را ظاهر و اسلام را نصرت فرمایید. کاظم خراسانی، محمد حسین طهرانی.»^{۲۴}

علمای نجف در این رابطه تشخیص داده بودند که به اسلام‌پناهی و مردم‌گرایی محمدعلی‌شاه مطلقاً نباید اعتماد کرد چرا که شاه مدت کوتاهی پس از همین تلگراف، در دستورالعملی که برای حکام ولایات صادر کرد به آنها گفت «آنچه در توان دارند در سرکوب کردن مشروطیت بکار گیرند.»^{۲۵} خود نیز اقدام به تعویض برخی از حکام و انتخاب والیان سختگیر کرد. به طوری که عین‌الدوله در تبریز، اقبال‌الدوله کاشی در اصفهان، شاهزاده منیرالدوله در خراسان و آصف‌الدوله در شیراز منصوب شدند؛ در خصوص آصف‌الدوله و خوی استبدادی وی همین بس که معتقد بود «اگرچه دولت مشروطه شده، ولی من در استبداد خود باقی هستم.»^{۲۶} این امر نشان می‌دهد که در

^{۲۳}. حبل‌المتین کلکته، «تلگراف به ولایات»، شماره ۸، شعبان ۱۳۲۶ قمری، ص ۷.

^{۲۴}. صور اسرافیل ایوردن، «مکتوبی از عتبات»، شماره ۱، محرم الحرام، ۱۳۲۷ قمری، ص ۵.

^{۲۵}. حبل‌المتین کلکته، «تلگراف به ولایات»، شماره ۱۲، ۱۳۲۶ قمری، ص ۷.

^{۲۶}. کسروی، ص ۶۷۲.

مسألهٔ رویارویی‌های مشروطه و استبداد چه دیدگاه‌های سختگیرانه‌ای وجود داشته است. آوردگاه اصلی و نقطهٔ ثقل رویارویی‌های عصر مشروطیت، پس از مشروطه به تبریز منتقل شده بود، چرا که تبریز کانون مقاومت مشروطه‌خواهان و صف مقدم رویارویی‌ها بود و این البته برای مستبدان غیرقابل تحمل و خطرناک بود. به همین دلیل عین‌الدوله به عنوان نمایندهٔ نظام استبداد به هر شیوه‌ای متوسل شد که تا قبل از شروع رویارویی‌های سخت شاید بتواند مقاومت تبریزی‌ها را شکسته و آنها را وادار به تسلیم نماید. به همین منظور در پیام‌های نرم و ملایمی به آنها اعلام کرد «من خود تبریزی هستم و آرزو دارم اختلافات با مسالمت حل شود.»^{۲۷}

ترفندها و تدابیر گوناگون عین‌الدوله نتوانست مشروطه‌خواهان را وادار به ترک مقاومت کند و در درازمدت به زیان مستبدان پایان یافت؛ زیرا بین سپهدار و عین‌الدوله اختلاف افتاد و این اختلاف موجب جدا شدن سپهدار از نیروهای مستبد شد. بالاخره نیروهای مهاجم با کمک روس‌ها دست به محاصرهٔ تبریز زدند تا شاید از این طریق بتوانند مشروطه‌خواهان را شکست دهند. این محاصره و بسته شدن راه جلفا باعث شد مردم تبریز در تنگنا قرار گیرند؛ و این وضع همچنان برقرار بود تا تهران توسط مشروطه‌خواهان فتح شد.^{۲۸} گذشته از تبریز در دورهٔ استبداد صغیر در سایر ایالات نیز رویارویی‌ها میان مشروطه و استبداد تداوم یافت؛ از جمله در ولایت گیلان که در دورهٔ مذکور اهمیت زیادی برای دو طرف داشت. این ولایت به دلیل ارتباط با روسیه از یک سو و همجواری با آذربایجان از سوی دیگر از حساسیت ویژه‌ای برخوردار بود. بنابراین چندی پس از سرکوب مشروطه‌خواهان در تهران، والی گیلان نیز برکنار شد و به جای وی سردار افخم را که به سختگیری و ستم شهرت داشت منصوب کردند. پیامد این کار بر هم خوردن انجمن ایالتی در رشت، گسترده شدن بساط استبداد، و آرامش ظاهری خطهٔ گیلان بود. اما در نیمهٔ محرم ۱۳۲۷ قمری از یکسو سپهدار از عین‌الدوله کناره گرفت و به دعوت اهالی گیلان به آنجا وارد شد و از سوی دیگر طی حمله‌ای به باغ مدیریه، سردار افخم به قتل رسید. بعد از به قتل رسیدن حاکم گیلان، سپهدار تنکابنی به حکومت گماشته شد و از آن زمان به فکر تهیهٔ قشونی برای حمله به تهران افتاد. محمدعلی‌شاه برادر خود شجاع‌السلطنه را به حکومت گیلان گماشت اما وی پس از ورود به رشت از سوی مشروطه‌خواهان توقیف و پس از پرداخت مبلغی فدییه آزاد شد.

^{۲۷}. یومیه صبح صادق، «اخبار داخله»، شماره ۳۹، ۱۳۲۵ قمری، ص ۲.

^{۲۸}. اسناد مهمی از وضعیت تبریز در زمان اولتیماتوم روس‌ها به حاکم این شهر و محاصرهٔ آن از جمادی‌الاول ۱۳۲۶ به بعد در مجموعه گزارش‌های سیاسی وزارت خارجهٔ روسیه در کتاب نارنجی منتشر شده است: کتاب نارنجی (اسناد وزارت خارجهٔ روسیه) ج ۱. ترجمهٔ حسین قاسمیان، به کوشش احمد بشیریه (تهران: نور، ۱۳۶۷)، ص ۲۲۴ - ۱۹۸.

موضوع عدم موفقیت مستبدان در رویارویی‌های گیلان در آن زمان در رسانه‌های داخلی و خارجی انعکاس وسیعی پیدا کرد، به طوری که *حبل‌المتین* نوشت «شهر رشت چون در گذرگاه مناقلات اروپا و روسیه واقع است به این واسطه ضرر زیاد به تجارت تواند خورد».^{۲۹} ولایت اصفهان نیز در رویارویی‌های این دوره به خصوص در مقطع استبداد صغیر از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. پس از به توپ بستن مجلس در تهران، در اصفهان هم رویارویی‌ها آغاز شد. انجمن بر هم خورد، مشروطه‌خواهان گرفتار و یا متواری شدند و استبداد به تمام معنی در آن شهر حکمفرما شد.^{۳۰} در اصفهان اقبال‌الدوله کاشی که از طرف محمدعلی‌شاه منصوب شده بود، در نهایت خشونت با مردم رفتار می‌کرد. علاوه بر این محمدعلی‌شاه نیز بعد از شروع دوره استبداد صغیر همان گونه که گفته شد طی دستورالعمل‌هایی به حکام و مأموران ولایات بر این سختگیری‌ها تأکید کرد. حاج سیاح خاطرات خود را از رویارویی‌های اصفهان این گونه بیان کرده‌است:

آن طور که اطلاع پیدا کردم اقبال‌الدوله حاکم اصفهان و پیشکار او معدل‌الملک از هیچ گونه ظلم بر مردم کوتاهی نکردند به اقبال‌الدوله گفته بودند که مردم اصفهان پس از این که از تهران مأیوس شده‌اند با بختیاری‌ها [همراه شده‌اند...]. ولی او اعتنا نکرد و موافق دستورالعمل شدت زیادی نشان داده جمعی را گرفتار و پول‌ها از مردم گرفته، دویست نفر از همراهان خود را امر کرده بود که به مردم سخت بگیرند.^{۳۱}

نهایت امر این که با تمام سختگیری‌های استبدادطلبان، شهر اصفهان همگام با سایر ولایات کشور و در پایان دوره استبداد صغیر از دست آنها خارج و به طور کامل در اختیار مشروطه‌خواهان قرار گرفت؛ اما نباید از این نکته غافل بود که مستبدان به کمین نشسته درصدد فرصت برای تلافی در زمان و مکان دیگر بودند. همین مسأله بر چالش‌ها و رویارویی‌ها افزود و زمینه را برای گذار از وضعیت فعلی به آینده‌ای که جامعه ناخواسته با آن مواجه شد، آماده کرد.

رویارویی‌ها در دیگر نقاط کشور همچون فارس، بنادر جنوبی، خراسان و کرمان و نیز تداوم اقدامات خاندان قوامی از ایل خمسه در فارس و همدستی آنها با آصف‌الدوله شاهسون منجر به رویارویی‌هایی در این خطه شد. *حبل‌المتین* در این مورد گزارشی به شرح ذیل ارائه داده‌است

^{۲۹}. *حبل‌المتین کلکته*، «اخبار داخله»، شماره ۲۳، ۱۳۲۷ قمری، ص ۷

^{۳۰}. میرزا محمد ناظم‌الاسلام کرمانی، *تاریخ بیداری ایرانیان*، ج ۲، تصحیح علی‌اکبر سعیدی سیرجانی (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹)، ص ۱۶۲.

^{۳۱}. حمید سیاح، *خاطرات حاج سیاح* (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶)، ص ۶۱۱.

«ایالت فارس به وضع منقلب باقی است و سرقت قوافل هم گزارش شده است.»^{۳۲} از نقاط دیگر رویارویی‌ها مشروطه‌خواهان و مستبدان در دوره مذکور می‌توان به بنادر جنوب مانند بندرعباس و بوشهر اشاره کرد که نقش بسیاری در اقتصاد کشور داشتند. درآمد گمرک جنوب موضوع کوچکی نبود که استعمارگران و یا دربار قاجار به آسانی از کنار آن بگذرند. با سرکوب مجلس و پراکنده شدن مشروطه‌خواهان و متعاقب آن جنبش آذربایجان و گیلان و سپس اصفهان، در نقاط جنوبی نیز تحرکاتی صورت گرفت. در جنوب به ویژه در بوشهر و اطراف آن زمینه‌های فرهنگی برای پیدایش یک طیف سیاسی مقتدر وجود نداشت؛ به همین دلیل مخالفت‌های مردم تبدیل به شورش‌های محلی تحت رهبری خوانین محلی منطقه شد و انتقام‌ستانی‌های شخصی جایگزین هدف اصلی شد. حبل‌المتین در این مورد گزارشی ارائه کرده‌است مبنی بر این که «تجارت بوشهر خراب گردید،... اختلافات میان خوانین هنوز برقرار است؛ حکومت بنادر هم بقدری مسلوب القوه است که قدرت انتظام یک فرسخی بوشهر را ندارد. با این حال امان دولت می‌گویند طرق و شوارع امن است و ممالک مختلفه ایران قرین امنیت و راحت بوده و می‌باشد.»^{۳۳} گزارشگران و سفیر انگلیس نیز این گزارش را تأیید کرده مرتب از ناامنی در راه‌ها سرقت و عدم ثبات حکومت ولایات سخن گفته‌اند.^{۳۴}

در سایر بلاد نیز به همین ترتیب مستبدان تلاش کردند در دوره استبداد صغیر و از طریق ایجاد رویارویی‌های متعدد از پیشرفت مشروطه‌خواهی جلوگیری کنند، اما به نظر می‌رسد قادر به انجام آن نشدند. البته این عملکرد تعدی‌گرایانه موجب ناامنی و زد و خورد‌های محلی شده بود و به نوعی موجب قحطی و گرسنگی مردم نیز شد و این امری بود که مردم را به خود مشغول کرد و از پرداختن به مشروطه و ارائه راهکارهای لازم جهت ایجاد زیرساخت‌های استقرار چنین نظامی غافل نمود و این خود به سود حکومتی بود که هم مستبد بود و هم بزرگ‌ترین حامی استبدادطلبان بود. آنچه که در این دوره نباید مورد غفلت قرار گیرد این است که به هر میزان که مستبدان تلاش می‌کردند تا از قبل ایجاد رویارویی‌ها مشروطه‌خواهان را تحت فشار قرار دهند، مشروطه‌خواهان نیز سعی در خنثی نمودن شگردهای حریف داشتند، و در این راه هر چند که در درون خود با هم اختلافات فکری جدی داشتند اما بر سر یک موضوع اتفاق نظر حاصل کرده بودند و آن هم حفظ مجلس، قانون اساسی و در این دوره خصوصاً اعاده مجلس مشروطه بود. از این‌رو به دلیل این تنوع

۳۲. حبل‌المتین، اخبار داخله، شماره ۲۷، سال ۱۳۲۷ قمری، ص ۴.

۳۳. حبل‌المتین، «اخبار داخله»، شماره ۱۴، ۱۳۲۶ قمری، ص ۱۰.

۳۴. کتاب آبی، ج ۱، ص ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۸۲ و دیگر صفحات که گزارش‌های سال ۱۳۲۶ قمری را ارائه می‌دهند.

سلیقه توافقی نانوشته میان آنها تدوین شده بود که هر کدام از آنها برای حفظ قانون و مشروطیت سعی در به کارگیری روش‌های مناسب خود کنند.

به همین دلیل و در جهت تنوع‌دهی به رویارویی‌ها بود که *حبل‌المتین* به نقل از تقی‌زاده و در خطاب به ستارخان موضوعی را پیش کشید که بر اساس آن می‌بایست ابعاد رویارویی‌های مشروطه‌خواهان با مستبدان به سیاست خارجی و مسائل مربوط به آن نیز کشانده شود. توصیه تقی‌زاده به ستارخان این بود که «باید به دول خارج تلگراف کرد که چنان که به دولت ایران قرضه یا وام بدهند دولتی که از مشروطه‌خواهان بر سر کار آید عهده‌دار این وام و پرداخت آن نخواهد بود»^{۳۵} و ستارخان ضمن پذیرش این پیشنهاد از طریق انجمن تبریز تلگراف ذیل را به فرانسه مخابره کرد «ما ملت ایران به عموم ملت حریت پرست عالم اعلام می‌کنیم که این وجه نظر به این که باعث اضمحلال یک ملتی خواهد شد که در راه اخذ حقوق انسانیّه خود جان سپاری می‌کنند ملت ایران هم خود را ذمه‌دار این استقراض نخواهد داشت، انجمن ایالتی تبریز»^{۳۶}

با وجود اتخاذ چنین سیاست و عملکردی کاملاً مشخص بود که در دوره استبداد صغیر مشروطه‌خواهان بیشتر در حالت تدافعی و اتخاذ روش‌های پایداری و مقاومت بودند تا روش‌های تهاجمی و پیش‌تازانه، بنابراین هر از چندی سعی در حل مسألت‌آمیز اختلافات با دربار داشتند که نمونه آن اجتماع خانۀ عضدالملک رئیس ایل قاجار بود. اما همان گونه که قبلاً گفته شد با توجه به تنوع سلیقه و تعدد دیدگاه در اردوگاه مشروطه‌خواهان مبنی بر چگونگی پیشبرد اهداف خود در رویارویی‌ها، طبیعی بود که برخی نگرش‌ها با فعالیت‌هایی از قبیل آنچه که در خانۀ عضدالملک صورت گرفت متفاوت باشد.

قبل از ادامه بحث و پیگیری روند رویارویی‌ها در مقطع استبداد صغیر لازم است نقش و سهم روزنامه *حبل‌المتین* به اختصار مورد بررسی قرار گیرد. مطبوعات چون از نمادهای اصلی و ارکان مشروطه به شمار می‌آمدند طبیعی بود که در مرکز توجه و تهاجم دولت و دربار استبدادی محمدعلی‌شاه قرار داشته باشند. به همین دلیل در بدو حملۀ محمدعلی‌شاه به مجلس و مشروطه‌خواهان و آغاز دورۀ استبداد صغیر بلافاصله تمام روزنامه‌ها و مطبوعات داخلی نیز مورد هجوم واقع، سرکوب و تعطیل شدند. در این مقطع تنها دو نوع از نشریات می‌توانستند به حیات خود ادامه دهند و عبارت بودند از مطبوعاتی که در خارج از کشور به چاپ می‌رسیدند و مطبوعاتی که

^{۳۵}. *حبل‌المتین*، «اخبار داخله»، شماره ۱۴، ۱۳۲۶ قمری، ص ۱۰.

^{۳۶}. انجمن تبریز، «تلگراف به پاریس»، شماره ۵، شعبان ۱۳۲۶ قمری، ص ۲.

در تبریز فعالیت می‌کردند، چرا که تبریز با مقاومت مردم به رهبری ستارخان - که بلافاصله پس از بمباران مجلس شروع شد - از حوزه قدرت دولت مرکزی و محمدعلی‌شاه خارج گردید و به همین دلیل روزنامه *انجمن تبریز* در سراسر این دوره در شهر مذکور به چاپ می‌رسید و این در حالی بود که مابقی روزنامه‌ها در توقیف دولت بودند. اما در میان مطبوعاتی که در خارج از کشور چاپ می‌شدند، *حبل‌المتین* کلکته از مهم‌ترین و معتبرترین آنها به شمار می‌رفت. این روزنامه با پیگیری اخبار و وقایع داخل کشور از یک سو و بررسی و تحلیل رویارویی‌های مشروطه‌خواهان خود امروزه از مهم‌ترین منابع تحقیقاتی مربوط به دوره استبداد صغیر به شمار می‌رود.

پس بنابراین اگر سرمایه‌های مطبوعاتی و رسانه‌ای مشروطه‌خواهان را در این دوره و رویارویی‌های سخت آنان با مستبدان نام برده شود، باید از *روزنامه انجمن تبریز* و *روزنامه حبل‌المتین* یاد شود و این در حالی است که نباید از نقش *روزنامه «صوراسرافیل ایوردن»* نیز که به مدیریت دهخدا در سوئیس منتشر می‌شد غافل شد چرا که در اواخر دوره استبداد صغیر مسئولیت مهم انتشار اخبار و رویارویی‌های مشروطه‌خواهان و مستبدان در اروپا بر دوش این جریده قرار داشت. این روزنامه‌ها و به خصوص *حبل‌المتین* نقش زیادی در تحریک احساسات ملت ایران، هدایت و سمت‌نمایی به اهداف مبارزات و در نهایت اتحاد و همدلی مشروطه‌خواهان در رویارویی با دربار مستبد محمدعلی‌شاه ایفا کردند. دهخدا که خود از مبارزان این دوره سخت تاریخ ایران بود، در جریان رویارویی دو جناح سیاسی کشور به بیداری و آگاهی مردم از اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی جامعه اعتقاد داشت و یکی از راه‌های آن را روزنامه می‌دانست و می‌گفت «روزنامه است که آزادی و خودسری را از هم تفکیک کرده، مساوات در حقوق و عدم تبعیض قانونی را به نمایندگان ملت خاطر نشان می‌نماید. روزنامه است که خیالات فاسد و نقشه‌های فرق مضره را بدست آورده، افکار سوء آنان را در روی دایره خود از پرده بیرون می‌اندازند.»^{۳۷} *روزنامه انجمن تبریز* نیز که خود از معدود مطبوعات منتشره این دوره است در مورد نقش و سهم این رسانه در جریان رویارویی ملت ایران با دربار مستبد قاجار چنین می‌گفت «در این مدت یکسال و اندی، ارباب قلم به ایما و اشاره و تلویح و تعرض تمام پرده‌ها را از پیش چشم ما برداشته و حس ما را بیدار کردند که کیستیم و برای چه خلق شده‌ایم، مولد ما کجاست، وطن چیست و حال وی چون است.»^{۳۸} *حبل‌المتین* نیز در مورد بیداری، ایستادگی و مقاومت در برابر جریان‌های حکومتی معتقد بود تا زیانۀ بیدارباش را مطبوعات و جراید بر پیکر

^{۳۷} سروش تهران، «اخبار ایران»، شماره ۳، ۱۳۲۷ قمری، ص ۱.

^{۳۸} *انجمن تبریز*، «چاه نزع یا علاج محضّر»، شماره ۲۲، ذیقعدۀ ۱۳۲۵ قمری، ص ۱.

ملت ایران زدند:

همین که تازیانه بیدارباش جراید را از چپ و راست خورده نفیر صوراسرافیل را بر پیکر افسرده ما دمیدند؛ از صغیر و کبیر برنا پیر چشم غفلت را باز کرده دیدیم که رنگ و رخسار اسلام را غبار ظلم فرو گرفته تمام عروق و شریان‌های وطن مقدسمان مجروح و دست اجانب تا مرفق بر اندام این خاک پاک فرو رفته است، یک جنبش جسورانه ایرانی نموده سلسله استبداد را پاره کردیم.^{۳۹}

روزنامه انجمن تبریز با آگاهی از نقش هدایت‌کننده مطبوعات و در اشاره به تأثیر جریان‌هایی همچون *حبل‌المتین* و سایر رسانه‌ها خطاب به خوانندگان خود فریاد می‌زد:

تمام ارباب قلم و خیرخواهان، در جراید می‌نویسند و فریاد می‌زنند که موقع بس باریک و دولت شش هزار ساله در شرف انقراض است و ملت قومیه و قدیمه در عین فلاکت و اضمحلال با این انقلابات تمام قوای روحانی و جسمانی ما به تحلیل رفته و از حیات سیاسی مملکت نیم نفس بجا نمانده است. قدری بخود بیایید، سنگ نفاق و شقاق را از دامن بریزید بر حال اضطراب ملک و ملت اندکی توجه کنید.^{۴۰}

نقش مطبوعات و به ویژه *حبل‌المتین* فراتر از این بود که به نصیحت مشروطه‌خواهان بسنده کند و در تذکرات و هشدارهایی کلی آنها را دعوت به انسجام و اتحاد در برابر صف استبداد نماید؛ بلکه در این دوره سخت به برنامه‌ریزی و سمت‌دهی به مبارزات مشروطه‌خواهان پرداخته راهکار همگانی شدن مبارزات را به آنها پیشنهاد می‌کرد «اکنون وقت آن رسیده است که از سایر ایالات خیال دولت را بخود مشغول کنند تا مراکز دیگر مشروطیین از مدافعه قشون دولتی آسوده شوند.»^{۴۱} اهمیت این راهکار *حبل‌المتین* زمانی مشخص می‌شود که روشن شود در پی فشار شدید قوای دولتی دربار مستبد محمدعلی‌شاه به تبریز، ستارخان در پیام‌هایی از مشروطه‌خواهان و آزادی‌خواهان کشور خواست که با گشودن جبهه‌های دیگری در سایر ولایات ضمن این که موجب کم شدن فشار قوای دولتی بر تبریز شوند، با جمع‌آوری نیروهای آزادی‌خواه قوای استبداد را به حالت دفاعی برده و مقدمات هجوم سراسری به تهران را به عنوان نقطه اتکاء استبدادطلبان، فراهم آورند.

این راهکار عملی *حبل‌المتین* که با الهام از باورهای افرادی همچون ستارخان بود در نهایت

۳۹. *حبل‌المتین*، وطن، شماره ۱۴، ۱۳۲۶ قمری، ص ۹.

۴۰. *انجمن تبریز*، جریده انجمن، شماره ۱۷، شوال ۱۳۲۵ قمری، ص ۲.

۴۱. *حبل‌المتین*، اخبار داخله، شماره ۲۹، ۱۳۲۷ قمری، ص ۸.

به بار نشست و روند حوادث در گذر زمان به سود مشروطه‌خواهان تداوم یافت. به طوری که آنان نه تنها موفق شدند مستبدان را از طرف تبریز وادار به عقب‌نشینی کنند بلکه به شهرهای دیگر آذربایجان هم قشون اعزام کردند. همچنین ولایات اصفهان و گیلان نیز به روند استبدادزدایی پیوستند.

علل این پیشرفت‌ها را می‌توان در چند عامل مهم خلاصه کرد که عبارتند از: مقاومت مردم تبریز، اطاعت از رهبران مشروطه‌خواهان و حمایت چندجانبه از خارج از تبریز شامل حمایت علمای نجف که فتوایی در پشتیبانی از مشروطه‌خواهان صادر نمودند، انجمن سعادت استانبول که از فضای آزاد به وجود آمده در عثمانی استفاده کرد، و پیام‌های آزادی‌خواهان مقیم اروپا در حمایت از مردم تبریز، و حمایت اهالی قفقاز که از حیث نیروی انسانی و سلاح در تقویت آنها می‌کوشیدند.

نتیجه‌گیری

پیوستن ایران به جرگه کشورهای مشروطه دنیا، امیدهای بسیاری را در دل‌ها زنده کرد که به زودی در جامعه قانون، نظم و امنیت به جای خودکامگی، استبداد و بی‌قانونی خواهد نشست و جامعه مسیر ترقی و توسعه پایدار را طی خواهد کرد؛ اما چنانکه از روند مشروطه پیداست، چنین نشد و حوادثی در آینده مشروطه رخ داد که این حرکت را با مشکلات جدی و شکست‌هایی در راه رسیدن به اهداف و ایده‌آل‌ها روبرو کرد. این حوادث که در حکم موانع تکوین و تعمیق جریان مشروطه‌خواهی ایران و دلایل ناتوانی آن در پیمایش طبیعی قانون‌گرایی می‌تواند نامیده شود، از تنوع گسترده‌ای برخوردارند؛ به طوری که بخش قابل توجهی از آنها معمولاً مورد غفلت محققان و تحلیل‌گران این دوره تاریخی ایران واقع می‌شود. در منابع امروز تاریخ معاصر ایران از شکست مشروطه و مشروطه‌خواهان سخن به میان می‌آید اما زمینه‌های این شکست‌ها و ناکامی‌ها مورد واکاوی قرار نمی‌گیرد. معمولاً محصول شکست مشروطه را ظهور رضاخان می‌دانند، اما این که چگونه این روند پیموده شد و تأثیر هر یک از عوامل چه میزان بوده، بیان نمی‌شود. یکی از اصلی‌ترین مشکلات موجود در این خصوص خلأ اطلاعات دسته‌بندی‌شده است که محققان این مقطع تاریخی با آن مواجه هستند. در مقاله حاضر دو تلاش به موازات هم صورت گرفته است؛ تلاش اول جمع‌آوری و تنظیم گزارش‌های مطبوعات دوره مشروطه در خصوص نوع، شیوه و ماهیت رویارویی‌های موافقان و مخالفان مشروطه بوده و در این گرایش‌ها که تقریباً از نقاط مختلف کشور و میان مستبدان و مشروطه‌خواهان صورت گرفته، نشان داده شد که هرج و مرج به وجود آمده بر اساس آنها یکی از

زمینه‌های ناکامی جریان مشروطه‌خواهی در ایران بوده است. تلاش دوم این بوده که تأثیر چالش‌ها را در پیدایش و تداوم خودکامگی در ایران در واپسین دوره حکومت قاجاریه و چالش‌های پیش از مشروطه ترسیم کند.

کتابنامه

- تقی‌زاده، سیدحسن. *زندگی طوفانی*. به کوشش ایرج افشار. تهران: علمی، ۱۳۶۸.
- سیاح، حمید. *خاطرات حاج سیاح*. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶.
- علم، محمدرضا. *کانون مقاومت خارج از کشور عصر مشروطه*. تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۵.
- کتاب *آبی* (اسناد وزارت خارجه انگلیس). به کوشش احمد بشیری. ج ۲. تهران: نشر نو، ۱۳۶۲.
- کتاب *نارنجی* (اسناد وزارت خارجه روسیه). ترجمه حسین قاسمیان، به کوشش احمد بشیریه. تهران: نور، ۱۳۶۷.
- کسروی، احمد. *تاریخ مشروطه ایران*. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- ملک‌زاده، مهدی. *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*. ج ۴ و ۵. تهران: علمی، ۱۳۶۳.
- ناظم‌الاسلام کرمانی، میرزا محمد. *تاریخ بیداری ایرانیان*. ج ۲. تصحیح علی‌اکبر سعیدی سیرجانی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶.

روزنامه‌ها

- انجمن تبریز*، ۱۳۲۶ قمری، شماره ۱۵، شوال.
- انجمن تبریز*، ۱۳۲۵ قمری، شماره ۱۷، شوال.
- انجمن تبریز*، ۱۳۲۵ قمری، شماره ۲۲، ذی‌قعدة.
- انجمن تبریز*، ۱۳۲۵ قمری، شماره ۸۵، ربیع‌الثانی.
- انجمن تبریز*، ۱۳۲۶ قمری، شماره ۵، ربیع‌الاول.
- انجمن تبریز*، ۱۳۲۶ قمری، شماره ۳۲، جمادی‌الثانی.
- انجمن تبریز*، ۱۳۲۷ قمری، شماره ۴۴، ربیع‌الاول.
- حبل‌المتین کلکته*، ۱۳۲۶ قمری، شماره ۸، شعبان.
- حبل‌المتین کلکته*، ۱۳۲۶ قمری، شماره ۱۲، رجب.
- حبل‌المتین کلکته*، ۱۳۲۶ قمری، شماره ۱۶، رجب.

- حبل‌المتین کلکته، رشت، ۱۳۲۱ قمری، شماره ۲۳، محرم.
- حبل‌المتین رشت، ۱۳۲۷ قمری، شماره ۲۹، صفر.
- رعد، ۱۳۳۴ قمری، شماره ۱۰۰، جمادی‌الثانی.
- مذاکرات مجلس شورای ملی. دوره اول قانون‌گذاری ۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۶. تهران: مجلس شورای ملی، ضمیمه روزنامه رسمی، ۱۳۵۷.
- سروش تهران، ۱۳۲۸ قمری، شماره ۸، جمادی‌الثانی.
- صوراسرافیل ایورهن، ۱۳۲۶ قمری، شماره ۱.
- کاوه، ۱۳۳۹ قمری، شماره ۱۲، ذی‌عقده.
- کوکب دری، ۱۳۲۵ قمری، شماره ۱۹، جمادی‌الثانی.
- یومیه صبح صادق، ۱۳۲۵ قمری، شماره ۹، ربیع‌الاول.
- یومیه صبح صادق، ۱۳۲۵ قمری، شماره ۱۴، شعبان.
- یومیه صبح صادق، ۱۳۲۵ قمری، شماره ۱۶، ربیع‌الاول.
- یومیه صبح صادق، ۱۳۲۵ قمری، شماره ۴۱، ربیع‌الثانی.
- یومیه صبح صادق، ۱۳۲۵ قمری، شماره ۳۹، ربیع‌الثانی.

Archive